

انتخابات آمریکا و حواشی آن

گمانم بر آن است که مسئولیت جهانی دولت‌ها، امروزه بیشتر از مسئولیت ملی آنها شده است؛ چراکه بدون حضور در چالش‌ها و مجمع جهانی، توان حل مشکلات داخلی را نخواهند داشت. دنیای جدید از آن کشوری است که بتواند بیشتر از دیگران در تصمیم‌سازی جهانی حضور داشته باشد.

یادم می‌آید در شورای معاونان صدواسیم‌ا صحت از آمدن ماهواره‌ها بود و هرکسی رویکردی را باور داشت، اعتقاد نویسنده مقاله آن بود که «ماهواره‌ها می‌آیند؛ چه بخواهیم و چه نخواهیم»؛ اما کار درست تجاهل، قهر و دوری نسبت به ماهواره به امید آینده‌ای امن و بی‌خطر نبود، بلکه باید در بازار جهانی ارتباطات و اطلاعات حضور و مغازه‌ای چهارنیش می‌داشتم. امروز هم توصیه‌نویسنده حضور هرچه بیشتر و سریع‌تر در چهارراه تعاملات جهانی است، در غیر این صورت دو اتفاق قطعی را باید انتظار کشید؛ انزوا یا انفعال؛ انزوا که حاصل عدم تعامل با حوادث متغیر جهانی است و انفعال که حاصل تسلیم‌شدن در برابر حوادث متغیر جهانی است.

۶- اظهار ناخشنودی علنی رهبران اروپا از تحریکات ترامپ برای اشغال کنگره و محکوم‌کردن آن، دقیقاً انتقام جویی آنها از ادبیات و سیاست‌های تحقیرآمیز، رعب‌آور و انحصارطلبی کاخ سفید دوران ترامپ است. برخی اظهارات آنها آن قدر انتقادآمیز و طعنه‌زنده بود که در ادبیات سیاسی ما معنای دخالت در امور داخلی کشور دیگر را دارد. دولت‌ها و مردم اروپا امروز بیشتر از ما از رفتن ترامپ شادمان هستند و نسبت به بهبود اوضاع معیشتی خود بسیار امیدوارند.

اینک جهان مجروح از سیاست‌های ترامپ، به نوعی همدلی و اشتراک نظر رسیده که گوش‌هایش برای شنیدن حرف‌های ایران باز است و ایران با هوشمندی می‌تواند درهای بسته از ترس اروپاییان را برای دیالوگ به نفع منافع ملی خود باز کند، البته اگر دوقطبی و رقابت سیاسی امروز ایران به توافق برسد.

۷- صحبت از متغییرهای جهانی شد. توسعه امیری موهوم و دست‌نیافتنی نیست؛ کم‌اینکه در صنایع نظامی استراتژیک، ایران به ظرفیت بالایی دست یافته است. بااین‌حال، توسعه معنای تامی دارد که همانا سرعت، قدرت و ظرفیت ایجاد تغییر در برابر متغیرهای جهانی است؛ جهانی که کشورها تاروپود درهم‌پیچیده و ناگسستنی آن هستند. برای ایجاد تغییر در برابر متغیرهای جهانی، باید قدرت و ظرفیت گمانه‌زنی نسبت به حوادث آینده را ایجاد کرد و هرچه گمانه‌زنی کشورها درست‌تر باشد، آنها توسعه‌یافته‌تر هستند. پس فرایند توسعه از گمانه‌زنی درست نسبت به متغیرهای آینده جهان آغاز می‌شود و تا قدرت، ظرفیت و سرعت تغییر درست در برابر متغیرهای جهانی ادامه می‌یابد. اوضاع امروز هر جامعه‌ای هر خانواده‌ای حاصل پیش‌فرض‌های دیروز آن است. پیش‌فرض‌ها، منظومه‌ای از ایده‌های گوناگون هستند که در هم ترکیب شده و نقشه راه آینده را ساخته‌اند.

پیش‌فرض‌ها تصویر آینده را ترسیم می‌کنند، جامعه موجودی زنده، پویا و در حال تغییر است. اینکه باید با ابتکار عمل و ارادی سراغ تغییر رفت، امری قطعی است؛ والا تغییر خود را تحمیل می‌کند. فرصت تغییر در سیاست‌ها، نگرش‌ها، رویکردها و حتی ادبیات ما به سبب انتخابات آینده ایران فراهم آمده؛ به‌ویژه با تاملاتی که درباره تغییرات سیاست‌های آمریکایی در این نوشتار پیش‌بینی شده، فرصت مناسبی به دست آمده که پیش‌فرض‌های خود را مروری سخاوتمندانه کنیم و در این مورد به گسترش تعاملات و همکاری بین‌المللی و حضور جهانی در مساحت‌های فرهنگی، اقتصادی، تمدنی و دیجیتالی بهای بیشتری دهیم. اگر زمان حضور این فناوری‌های تک و فناوری متوسط جهان از دست رفت باشد، هنوز زمان حضور فعال جوانان ایرانی با شانس‌های ایرانی در بازار فناوری دیجیتالی و آئی و آی‌سی‌ئی از دست رفته است. ایران می‌تواند در این بازار نقش آفرین و تعیین‌کننده باشد؛ البته سیاست‌مداران باید در پیش‌فرض‌های خود این حضور را به رسمیت بشناسند.

فائزه معتقد است محسن می‌خواهد خانواده را کنترل کند و محسن هم بر این باور است که فائزه خیلی تند شده است. ماجرای مصاحبه اخیر فائزه هاشمی و ابراز تمایلش به رأی آوردن ترامپ حاشیه‌ساز شده است. اول از همه داداش محسن نامه‌ای خطاب به او نوشته که رسانه‌ای کرده و بعد هم دیگران از چپ و راست به او حمله کرده‌اند. از محمدعلی ابیطیحی، مسئول دفتر سابق رئیس‌جمهوری اسبق اصلاح‌طلب تا روزنامه جوان اصولگرا، گرچه یک سایت خبری به نقل از یک منبع نزدیک به خانواده مرحوم هاشمی مدعی شده که فاطمه، محسن، مهدی و یاسر هاشمی از این اظهارات به‌شدت عصبانی هستند و آن را خلاف دیدگاه‌های آیت‌الله هاشمی و مواضع خانواده آن مرحوم می‌دانند.

محسن هاشمی در نامه‌ای سرگشاده به خواهرش فائزه هاشمی نوشت: هنوز چهارمین سالگرد رحلت پدر، سیری نشده بود که انتشار مصاحبه‌ای از تو موجب ناراحتی علاقه‌مندان آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و البته اعضای خانواده را فراهم کرد و بهانه‌ای مناسب به افراطیون و تحریکبران پید داد و برگ دیگری بر مظلومیتش اضافه شد. احساس وظیفه کردم که تذکرانی را که بارها به شکل گفت‌وگوهای خانوادگی طرح شده بود، در قالب نامه سرگشاده بیاورم. . . اتفاقاً در موضوع ترامپ، بر خطر او و تهدیدی که خودکامگی او هشدار علنی داده بود و گفتند: ترامپ چهره خطرناک و قدری که به اصول پاینده نیست و قواعد و مقررات را به‌راحتی زیر پا می‌گذارد، است. «می‌دانم که در سال‌های اخیر برخورد‌های نادرستی با تو، خانواده و فرزندت شده است که شاید باعث شادندان تو به تدروی و خارج‌شدن از مشی میانه‌روی پدر شده؛ ولی این دلیل نمی‌شود که به رئیس‌جمهور کشور بیگانه امید بینی و دم از استقلال بزنی ! لذا از تو صمیمانه تقاضا دارم صحبت‌های خود را اصلاح و از این موضع عذرخواهی کنی و مانع تخریب پدر از طرف

.....

.....

۱۷ دی‌ماه مصادف است با مرگ اشرف پهلوی، خواهر شاه که به گفته اسناد و شاهدان عینی نقش مهمی در دربار محمدرضا شاه پهلوی ایفا می‌کرد؛ نقشی که حتی در کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و سقوط دولت دکتر مصدق نیز دیده می‌شود.

از اولین رسانه‌هایی که خبر درگذشت خواهر دوقلوی شاه در ۹۶سالگی در مونت‌کارلو فرانسه را منتشر کرد، روزنامه نیویورکتایمز بود که با مروری بر زندگی اشرف پهلوی، درباره نقش‌آفرینی او در کودتای ۲۸ مرداد نوشت: «در سال ۱۹۵۳، درست همان زمانی که سازمان سیا با بریتانیا همکاری می‌کرد، سرنگونی دولت محمد مصدق، جناح چپ ایران و نخست‌وزیر استعمارستیز هم در حال انجام بود. این اتفاق باعث شد تا از شاهزاده اشرف بخوانند که برادرش که در سال ۱۹۴۱ شاه ایران شده بود را به این کار ترغیب کند. کریم‌تروزلت، افسر سازمان سیا که با عملیات آژاکس شناخته می‌شود، موضع خود درباره این اتفاق و تلاش برای رهبری کودتا علیه دولت مصدق را با اصطلاح عزمی راسخ توصیف می‌کند. استغنان کینزr در کتاب همه مردان شاه که در سال ۲۰۰۳ به چاپ رسید و تاریخچه‌ای از انقلاب ایران است، می‌نویسد: «تاثیرگذاری اشرف بر برادرش افشاره‌ای تکرارنشدهی بود. یک بار در جمعی از دیپلمات‌های خارجی او پاسخی تحقیرآمیز و از روی تمسخر تحویلشان داد. در یک سرمقاله تفسیری روی روزنامه تایمز مطلبی با عنوان «من با این ته‌مات‌ها مبارزه می‌کنم» نوشت و در آن گفت که اموالش را از ارث و کسب‌وکار به دست آورده است. او همچنین در سال ۱۹۸۳ به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: «پس از مرگ برادرم، اگر

سیاست

هاشمی منتقد هاشمی



سیدحسین موسویان در نشست خبری

است یا به قول خودش عاقل‌تر است. خیلی دلش می‌خواهد ما را کنترل کند. مامان برایش هنوز عجیب است مثلاً می‌گوید مگر تو چه‌کاره‌ای که این حرف‌ها را می‌زنی؟ یا مثلاً مگر سرت می‌شود که تو را دعوت کنند؟ به‌شوخی جواب می‌دهم مگر نمی‌دانید که من یک شخصیت بین‌المللی هستم، شما ما را تحویل نمی‌گیرید. به‌رحال روابط خانوادگی خیلی تفاوت دارد».

اما ابیطیحی کنایه بزرگ‌تری به فائزه هاشمی زده و نوشته که: «سرکار خانم فائزه هاشمی! کاش آرزو نمی‌کردید ترامپ بماند برای فشار بیشتر به ایران، باور کنید وضع معیشت بیشتر مردم، مثل خاندان هاشمی نیست. رنج بردند از دوران تحریم و فشار. هیچ قوم و ملتی با نگاه به خارجی سربلند نشده. به نظر می‌رسد که از آن منظر که محسن هاشمی گفته، صحبت‌های خواهرش درست نیست؛ تا جایی که محمدحسن قدیری‌ایبانه اصولگرا هم گفته: «متأسفانه استقبال و دعوت از کشورهای

دیگر برای تحریم ایران در خانواده آقای هاشمی موضوع جدیدی نیست. مهدی هاشمی زمانی که مسئول دفتر دانشگاه آزاد در انگلستان بود، از آنجا تلاش می‌کرد با آمریکایی‌ها تماس بگیرد تا از آنها بخواهد ایران را تحریم اقتصادی کنند و در مصاحبه با خبرنگار ضد انقلاب گفته بود موضعی که من می‌گیرم، با خانواده هماهنگ است. صدای او و اعتراف آقای نیک‌آهنگ در اینترنت موجود است... من معتقد هستم فرزندان آقای هاشمی و شخص آقای روحانی بر تغییر موضع آقای هاشمی اثر داشته و مؤثر بودند. از این بابت من واقعا متأسفم. دلم می‌خواست آقای هاشمی در خط امام، ولایت و در دفاع از نظام باقی می‌ماند و اسیر این دام‌ها نمی‌شد».

روزنامه جوان هم علیه فائزه نوشت: «او ساده و شفاف حرف می‌زند، گرچه موضع‌گیری‌اش مشمژکننده است؛ دفاع از رئیس‌جمهوری بیگانه و خارجی که پای سیاست‌هایش را روی گلولی مردم ایران گذاشت و فشار حداکثری ایجاد کرد، شرم‌آور است. برای چه؟ فقط برای اینکه می‌خواهیم حرف و موضع ما درباره نظام و کشور خودمان به کرسی بنشیند و او هم مانند ما علیه حکومت بود. مثل خیلی وقت‌های دیگر دختر خانلخی برای هاشمی‌رفسنجانی است. اگر هاشمی نظام را مانند فرزند خودش می‌دانست که باید با دلسوزی اصلاح شود، فائزه نظام را دشمنی می‌بیند که با تحریم و فشار کمپن و قماربازی مانند ترامپ باید سیاست‌هایش تغییر کند؛ در این میان اگر فشار حداکثری هم نصیب ملت شود ــ که شد ــ برای او اهمیتی ندارد».

عذرخواهی محسن هاشمی از مردم

محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران، همچنین روز گذشته در حاشیه جلسه این شورا، گفت: «صحبت‌های فائزه هاشمی نه مورد تأیید خانواده و نه مورد تأیید حزب کارگزاران است که من رئیس مرکزی آن حزب هستم و من از طرف خانواده از این موضع، از مردم پوزش می‌طلبم».

.....

.....

نقد به والاحضرت شاهدخت هدیه کرد....».
سیا:شاه در مواجهه با خلاف‌های اشرف فقط شانه بالا می‌انداخت
در گزارش سازمان سیا نیز درباره اعمال اشرف آمده است: «اشرف با اعمالی که اگر کاملاً غیرقانونی نباشد، اغلب در مرز اعمال خلاف قانون است، در معاملات شرکت می‌کند، کارهایی که اگر دیگران انجام دهند، لاقال ۱۰ سال زندان دارد، ولی وقتی موضوع را به شاه گزارش می‌دهند، شاه فقط به بالاانداختن شانه اکتفا می‌کند».

نقش اشرف در کودتای ۲۸ مرداد

اما جدای از فساد مالی اشرف، او نقش مهمی در کودتای سال ۳۲ و سرنگونی دولت دکتر مصدق ایفا کرد. اشرف که در خلال سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۰ یسکی از مهره‌های پرنفوذ دربار به حساب می‌آمد و در نصب و عزل بسیاری از رجال نقش داشت، پس از نخست‌وزیری مصدق در مقابل او قرار گرفت و همراه مادرش تاج‌الملوک جناح درباری مخالف دولت مصدق را تشکیل داد. او در انتخابات دوره شانزدهم تعدادی از وکلای مورد اعتماد خود را چون سرتپ پیراسته، عزیز زنگنه و منوچهر تیمورتاش به مجلس فرستاد و در مقابل جبهه ملی قرار گرفت و در کار مجلس و دولت اختلال کرد. او تمام تلاش خود را در سقوط دولت دکتر مصدق و نخست‌وزیری قوام‌السلطنه انجام داد و رابط بین شاه و قوام شد تا اختلافات گذشته را کاهش دهد. اما بروز وقایع ۳۰ تیر ۱۳۳۱ نقشه‌های او را نقش بر آب کرد و پیداشدن مدارک و اسناد ارتباط اشرف و ملکه پهلوی با اخلاکاران و قوام‌السلطنه، مصدق را وادار به اعتراض کرد. به‌این‌ترتیب دکتر مصدق در دور دوم نخست‌وزیری خود اشرف پهلوی و اشراف الملوک پهلوی را تبعید کرد اما اشرف از فعالیت بر ضد حکومت ملی دست برنداشت و در فرانسه نیز همچنان به مخالفت با دکتر مصدق پای می‌فشرد؛ به‌طوری‌که توجه دولت انگلیس را که خواستار انجام عملیاتی نظامی بر ضد حکومت مصدق بود، جلب کرد. اشرف ضمن تماس با مجامع بین‌المللی به‌خصوص دوستان و یاران آمریکایی خود سعی می‌کرد وضعیت ایران را بحرانی جلوه دهد و چنین وانمود کند که دولت شوروی و حزب توده در حال قدرت‌گرفتن در منطقه هستند. بالاخره در تابستان ۱۳۳۲ دو نفر از جاسوسان آمریکایی ناگهان با اشرف تماس گرفتند و در کارزینوی دوویل با او ملاقات کردند. در این ملاقات از اشرف خواسته شد نقش میانجی‌گری بین آمریکاییان و محمدرضاشاه را بر عهده بگیرد و برای حمایت سلطنت برادرش کام بردارد. به‌این‌ترتیب اشرف دست به کار شد. او در سوم مرداد ۱۳۳۲ بدون اجازه به تهران آمد و بافاصله به ملاقات برادرش رفت. ملاقات آن دو به شکل پنهانی و خصوصی انجام شد. دولت مصدق به محض آگاهی از ورود اشرف به تهران خواستار خروج او شد و اشرف صبح روز بعد تهران را ترک کرد. در این مدت اشرف با همه یاران و دوستان خود تماس گرفت و از آنان خواست تا در مبارزه علیه حکومت مصدق متحد شوند. دربار در جواب فرماندار نظامی تهران اعلام کرد که اشرف برای جمع‌آوری پول به‌منظور تهیه مخارج بیمارستان پسرش به تهران آمده است؛ بنابراین ۲۴ ساعت به او اجازه اقامت داده شده است. اشرف در ملاقات خود پاکتی به محمدرضاشاه داد و او را از نقشه کودتا آگاه کرد. عصر همان روز محمدرضا با یکی از جاسوسان آمریکایی به‌طور مخفیانه در سعیدآباد ملاقات کرد و دو فرمان مهرشده بدون نوشته یکی برای عزل مصدق و دیگری انتصاب زاهدی به او داد و خود راهی کادردشت شد و از آنجا به بغداد رفت. ۹ روز پس از آنکه اشرف پهلوی تهران را ترک کرد، عملیات ارتش انجام شد. در مدت کوتاهی دولت مصدق سرنگون شد. محمدرضاشاه به سلطنت بازگردانده شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد دوران استبداد محمدرضاشاهی شروع شد و اشرف پهلوی نیز به‌عنوان یکی از مهره‌های مهم در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها نقش داشت.

اشرف پهلوی سرانجام در ۱۷ دی ۱۳۹۴ در منطقه مونت‌کارلو واقع در شاهزاده‌نشین موناکو به دلیل کهولت سن و به مرگ طبیعی درگذشت.

سیدحسین موسویان در کنفرانسی بررسی کرد

بایدن، ایران و خاورمیانه بحرانی

● **ایسنا:** کنفرانس مجازی دو روزه «آینده جهان بعد از کرونا و انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا» توسط مؤسسه قرن ۲۱ و مجله گلوبال‌بریف برگزار شد. در بخش خاورمیانه، نیل فهمی، وزیر خارجه پیشین مصر و سیدحسین موسویان، استاد دانشگاه پرنستون و چند نفر از کارشناسان خاورمیانه حضور داشتند. سیدحسین موسویان در این کنفرانس گفت: درمورد بحران روابط آمریکا و ایران در دوره ترامپ چند حقیقت مهم وجود دارد: اول، در دوران ترامپ، برای اولین بار اتحاد مثلث آمریکا، اسرائیل و عربستان-امارات علیه ایران به‌طور رسمی و علنی شکل گرفت. دوم، گسترده‌ترین تحریم‌های تاریخ معاصر در دوران ترامپ و علیه ایران شکل گرفت. سوم، آمریکا قبلاً در تقابل و خصومت اقتصادی و سیاسی و امنیتی علیه ایران بود اما در دوره ترامپ این روند اولاً، به جنگ اقتصادی، امنیتی، سیاسی و سایبری تبدیل شد و ثانیاً، با ترور سردار سلیمانی، عملاً آمریکا وارد فاز نظامی علنی علیه ایران شد؛ زیرا ترور یک ژنرال ارشد ایران، یک اقدام و حلیت جنگی بود. علاوه بر آن دیدیم که بن سلمان ولیعهد عربستان هم رسماً گفت جنگ را به داخل ایران می‌کنانیم. نتایج‌و رسماً گفت که اگر بایدن به برجام برود، ما به ایران حمله خواهیم کرد.

وی ادامه داد: امید هست که بایدن به‌جای سیاست تحریم و فشار و زورگویی، دیپلماسی و تعامل را در دستور کارش قرار دهد. اما ما مطمئن هستیم که حتی اگر بایدن بخواهد به روند فشار حداکثری ترامپ علیه ایران هم خاتمه دهد، اسرائیل و عربستان برای پیشگیری از این تغییر از تمام ظرفیت خود استفاده خواهند کرد. این دیپلمات پیشین کشورمان درمورد وضعیت بحرانی خاورمیانه اظهار کرد: خروج از وضعی نامتجانس، فعلی خاورمیانه مهم است؛ زیرا خاورمیانه در آستانه سقوط کامل است. در خاورمیانه بحران‌های زیادی هست اما مهم‌ترین آنها شامل دو محور است: یکی بحران فلسطین که ۷۰ سال است ادامه دارد و اسرائیل تمام قطع‌نامه‌های سازمان ملل درمورد حل بحران فلسطین را زیر پا گذاشته است... بحران دیگر به نزاع قومی، روابط کشورهای منطقه از جمله اختلافات ایران و عربستان و شیعه و سنی برمی‌گردد. معتقدم که برای حل این مورد، تشکیل سیستم همکاری و امنیت در خلیج فارس بین ایران، عربستان، عراق، قطر، عمان، بحرین، امارات و کویت، تنها راه‌حل پایدار است. در قالب این سیستم می‌توان اصول مهم صلح مثل عدم مداخله، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی را حاکم کرد. اخیراً نشست سازمان ملل در همین مورد تشکیل شد. اکثر کشورهای جهان از جمله چین و روسیه و اروپا نظر مثبت داشتند. تنها نمایندگان ترامپ و اسرائیل مخالف کردند و اتحادیه عرب هم دوگانه برخورد کرد. وی با بیان اینکه درمورد چشم‌انداز آینده صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه چهار فاکتور مهم وجود دارد، اظهار کرد: اول اینکه نیازمند تحولات اساسی هستیم. اوپاما نظرش در مورد بهبود روابط ایران با شورای همکاری خلیج فارس، عربستان، مصر و حتی سیستم همکاری جمعی مثبت بود. اگر بایدن این مسیر را دنبال کند، از حقوق فلسطینی‌ها و تشکیل سیستم همکاری و امنیت جمعی در خلیج فارس حمایت کند، روند مثبت در منطقه آغاز خواهد شد. دوم اینکه سازمان ملل مرجع بین‌المللی پیگیری حل بحران‌های خاورمیانه و ایجاد صلح و ثبات است. شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند نظام همکاری و امنیت در خلیج فارس با گفت‌وگوی بین کشورها را آغاز کند. اما مشکل سازمان ملل این است که تحت مصدق و نخست‌وزیری قوام‌السلطنه انجام داد و رابط بین شاه سبز آمریکا کاری انجام نمی‌دهد. در واقع دبیر این سازمان بیشتر از اینکه دبیر کل سازمان ملل باشد، دبیر کل آمریکا در این سازمان است. موسویان خاطرنشان کرد: سوم اینکه سیاست آمریکا در خاورمیانه بر مبنای منافع اسرائیل است و منافع سایر کشورها برای آمریکا اهمیتی ندارد. در حقیقت اسرائیل سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا را تعیین می‌کند، به سبب همین اسرائیل برای هر غلطی که می‌خواهد بکند، کارت سفید دارد. هر وقت خواست به سوریه یا به عراق یا به لبنان حمله می‌کند، قطع‌نامه‌های سازمان ملل درباره حقوق فلسطینی‌ها را زیر پا می‌گذارد. اگر این روند ادامه یابد نه می‌توان روی سازمان ملل و شورای امنیت این سازمان ملل حساب کرد و نه روی نقش فشار قدرت‌های جهانی؛ چون آنها هم هیچ اقدامی برای ممانعت از تجاوزگری‌ها و قانون‌شکنی‌های اسرائیل نمی‌کنند. چهارم اینکه قدرت‌های منطقه‌ای به‌ویژه ترکیه، ایران، مصر، عربستان در رقابت هستند. اتحاد اسرائیل و عربستان اتحادی پایدار نیست و دوام نخواهد آورد. هیچ مکانیسم همکاری جمعی هم برای حفظ صلح و امنیت وجود ندارد. این استاد دانشگاه تصریح کرد: در نهایت اینکه خاورمیانه در بحران است و با ادامه این روند هم اوضاع بدتر خواهد شد. چین و روسیه و اروپا آمادگی نسبی دارند. آنها از فرانس و نیز از تشکیل دولت مستقل فلسطینی حمایت می‌کنند. تنها ایستگاه که نقش مخرب داشته؛ یاباران ایران است که تمام کشورهای دنیا بیشتر است، زیرا کشوری مثل ایران تحت فشارها و تحریم‌های ترامپ نیست؛ به‌گونه‌ای که حتی امکان انتقال وجوه مالی بانکی وجود ندارد. وی خاطرنشان کرد که اقتصاد ایران شرایط بدی دارد که سه عامل کلیدی آن تحریم‌های آمریکا، عدم کارآمدی برخی مدیریت‌های داخلی و عوارض ناشی از بحران کروناست. این سه عامل صدمات سنگینی به اقتصاد ایران زده است.